بابکحمیدیان در گفتو گوبا «شهروند»

نسل امروز می گوید، جای واقعیت ها در سینمای جنگ خالی است



• به نظر می رسد بین نسل جدید و آنچه در جنگ ایران و عراق گذشته، شکاف ایجاد شده است. شکافی که شاید سینمای این حوزه هم در آنمسئول است. شما که اهمیت تان به این سینما را با بازی در چند فیلم اثبات کردید. شکاف ایجاد ەراچطورمىيىنىد؟

من به نوعی هم به نسل جدید حق می دهم، هم حق را از آنها می گیرم. به آنها حق می دهم که نسبت به اتفاقاتی که در آن ۸سال تلخ بر ایران گذشته است . کمی گیج و گنگ باشند. به دلیل این که احتمالا در این سال ها آنها با واژههایی مثل «کشـور دوست و همســایه عراق» مواجه شــدهاند، واژهای که به ذات ر از تضاد و دوگانگی است. حتی برای من که یکی پر از تضاد و دوگانگی است. حتی برای من که یکی از خاطرات تلخ کودکی ام جشس تولدهایی است که پدر و مادرم به خاطر بمبدان در پارکینگ خانهای که در آن زندگی می کردیدم می گرفتند، تولدهایی که با اضطراب همراه می شد. حتی همین الان که می گویم احساســـاتی میشـــدوم و نمی توانم بپذیرم که آیا کشـــور «دوست و همســـایه عراق» در واقعیت وجود دارد یا نُسه اگر چه که می فهمم آنهایی که با ما مُی جُنگیدند (بعث) بودند و مردم (عراق) نبودند. بحث من واژه هایی است که مسئولان در این سال ها در ادبیات محاوره مردم جای انداختند. این جوانها خانوادههایی دارند که آنهااز دل همان اضطراب بیرون آمدند. اداریا نر ادبیات مُحاوره مردم جای انداخت آمدند،بنابراین طبیعی است که جوان هااین عناوین را برنتابند،من با خیلی ها بر خورد داشتم که واقعا با این عُنوان مشکل داشتند که کشُــور دوست و همسایه عراق چهمعنی دارد؟ در شرایطی کهماهمین الان که به ُجنُوب یا غرب ایران می رویم، حس می کنیم انگار همین دیروز جنگ تمام شده، آن اضطراب هنوز هم با مردم جنوب همراه است. بنابراین چگونه می شود که این واژههامعانی شان تغییر کرده است. در نتیجه من مسئول پاسخگویی به این پرسش نیستم. این موضوع یک بحث جامعه شناســانه و روانکاوانه می طلبد که نور شدن نسل جوان از وقایع جُنْگ، خُوب است یابد؟ واساره کردید که به جوان ها حق نمی دهید،

دليلآنچيس ۔ ۔ بەاین دلیــل کە با توجەبە زندگی نسـ الکترونیکی و سایبری که در اختیار جوان ها است واقعا کمی بی انصافی است اگر روی واقعه ای که بر این سرزمین گذشته مطالعه نکنند گذشته ای که چندان ب سـت، جوان ها در برابر دانستن از این واقعه مسئول هستندواين حقرادارند كهبدانند

•بهُطور مشخُص دربار هسینمای جنگ ووضعی که سپری کرده اسـت صحبت می کنیم، به گفته بسيارى از منتقدان ومخاطبان روند سينماى بسیاری او سال های اخیر افول داشته است، بسیاری اوج سینمای جنگ را در اواخر دهه ۵۰ . بیرای روی ابتدای دهه ۶۰می دانند. شما این روندر ااز ابتدای جنگ تااینجاچگونه می بینید؟

این کـه در اواخر دهه ۵۰ سـینمای جنگ ایران كوه بوده والأن نيس برای این که بخشــی از دافعهای که ممکن اسـت در رک ین بر نسل من به وجود آمده باشد اتفاقا برای همان نگاه کاملا استرلیزه و فرمالیستی است که از آدمهایی نامهرست ریز ر ر ... ی که به تصویر که به تصویر که به تصویر کشیدند. آدم هایی که ممکن بودیک تنه بایک گردان کشیدند. آدم هایی که ممکن بودیک تنه بایک گردان عراقي مواجه شوند و همه را حذف كنند در آن زمان ر بی را در این دیگر مطلوب نسل جوان نیست یک باادبیاتی که الان دیگر مطلوب نسل جوان نیست یک فیلم را پیش می بردند، شاید ما خودمان هم الان آن

مورد بررســـى قرار مى گيرد. به ايـــن خاطر من قبول فیلم ها را با نگاه نقادانه نگاه کنیــم دیگر به نظرمان جذاب نرسد. فیلههایی که رفتارها در آن کاملا ژستیک بود. فیلمنامههایی بااین پایه که رزمندههای بت به رزمندههای آن یرانی بر تریهای فرازمینی نس

۔ر ہی۔ ر رک کی از رہے طرفی داشـــتند.این که هر عراقی رامی دیدیم حتما چاق، مســت و ناآگاه بــود. در صورتی کــه واقعیات پ ب جنگ بنابر اسناد مکتوب می گوید اتفاقا ارتش عراق خیلی منسیجی، مرتب و آگاه بود. در نتیجه وقتی به تاریخ معاصر نزدیک تر می شسویم به نظر می رسد کارگردان هایی که جریان جنگ برایشان همچون يكميراث قابل اهميت بودهمثل حاتمي كيا، درويش، " حمیدنژادوشیخطادی وبسیاری دیگر آگاه تر شدهاند که جنگ یک بحران کاملا اجتماعی است و کاملا . شناسانه و واقع بینانه باید در س رفت. از همین روّی، فیلمهایی مثل الشـک سرماا «دوثل» و «از کرخه تاراین» که کمی به حواشی جنگ و بحرانهای بعد از جنگ میپردازنند اتفاقا میراث ماندگار تری به نسبت فیلمهایی که خیلی مستقیم به آن جنبههای قهرمان پرورانه می پرداختند، هستند. منبهعنوان یک مخاطب،این گونهاز فیلمسازی برایم مطلوب تر است. اگر با صراحت بیانم که ممکن است به کام عدمای تلخ بیاید سخن می گویم، به این خاطر است که می خواهم بگویم من به عنوان یک جوان ۳۴-۳۳ ساله بااین وجود که در تهران زندگی می کردم با چه واقعیاتی از جنگ مواجه بودم و چه احساسی

دربرابر کمبودهایی که در این مسیر وجود دار ددارم. • رخداد جنگ در بسیاری از کشورهای دنیا دستمایه مهمی برای ساخت

ساری از فیلمسازان با

دلسردی از ساخت فیلمهای

جنگی یاد میکنند. از دیدگاهشمااین دلسردی

در فیلمسازان محصول یک

بله؛ جَنگ جهانی اول و دوم

در این کره خاکسی رخ داده، اما می بینم که هنوز درباره آن در

هاليوود فيلمهاى تاثير كذارى

کشوری می زیستهاند، ساخته شـ

ساخته می شود. هیچکس نمی تواندانکار کند که این فیلمها درباره بحران های مردمانی که در گذشته دور

رری کار. نیست. حتی این فیلهها به لحاظ تکنیکی هم موفق است.مامادامی که بخواهیه بگوییم سینمای ایران به

لحاظ تكنيكى سينماى به نسبت عقب ماندهاى است. (تعبير عقب مانده را به لحاظ آنچه در هاليوود به عنوان

صنعتُسینمابررسیمیشود،به کارُمیبرُمُ)بنابراین باید بپذیریم که از تعداد فیلمسازان ما به تدریج کم و

در میانشان دلسر دی ایجاد می شود. باید یادمان باشد که ســینمای ایران هیچگاه بر پایه تکنولوژی استوار

نبوده است، سینمای ایران، سینمای انسان محور

است و همواره آسیبشناسانه بر پایه روابط انسانی د_ا

شرق جُلومُی رود در نتیجه به این دلیل که جنگ هم

دریک منطقه ای از شرق اتفاق افتاده است، در سینما

ر . اهمیت پیدا می کند. سینمای ایران با محور انسان جلو می رود و داستان های انسانی تا پایان تاریخ بشر

بده است و محترم

واكنشاست؟

نسلجوان داريد...

تعیین کننسدگان این سینما ۔ ۔۔ تریبون قوی تری دستشان است. ر چرا ما هیچوقت نمی بینیم که یک گروه جـوان را با دسـتمزد مناسب به جنوب بفرستند که داستانهای ناخوانده رااز آن افراد و آن منطقهها روی کاغذ بیاورند ، به فیلمسا:ان جنگ بفروشند

کسی نمی توانداز آن ایراد بگیر د. من ُدوست دارم کهُ تهیه کنندگان و فیلمسازان با تجربه این سینماعمل

گراترباشند . به نظر می رسد به تدریج فضای فکری جوان های بعد از جنگ به سمتی در حرکت جوان های بعد از جنگ به سیمتی در حرکت است که بین نسل آنها و جنگ این فاصله بیشتر میشود، بنابراین خود جوانان نسل جدید هم در

این زمینه مسئولیتهای دارند. شما در این رابطه چه نظری دارید؟ پاسخ به این ســوال هم خوب و هم کمی پرخطر

دارم که سینمای جنگ رو به افول است. سینمای جنگ هنوز مگوترین رازهاو داستان ها در دل جنوب دارد که مدیران در برابر استخراج کردن آنها از سینه ـلهایی که آراُماُرامُ پیر میشـوند و شاید دیگر تانگویی نداشته باشند، مسئول هستند ر ہے۔ بن وقتی با کار گردانھایی مثل احمدرضا درویش و براھیم حاتمی کیا روبەرو میشوم درمی یابم که این کار گردانان در سینمای خود دغدغههای اومانیستے . ـانى دارند. بنابراين أنُ دسته از فيلمسُ دلسرد شدهاند، شایداین دلسردی را ابزاری برای عنوان این که داســتانهای جنگ تمام ش ز آنُ معیارُ ســینَمای جهانُ دور هســتیم، قرار ند.به این دلیل که آنهابهعنوان فیلمساز مسئول تهیه خوراک فرهنگی برای اجتماع هستند، باحذف بركدام اُز آنهابهُ عنوان يك فيلمساز دلسرد يک خلاء وجای خالی بن گ در جامعه به وجود می آید

•در جریان ُتهیه این خوراکُ فُرهنگی شماهم ک بازیگر مســئولیتهایی در مقابل ىەعنوان يــــ

ے . رہے اگر من بهعنوان بابک حمیدیان می گویم که لازم ست این داستان های ناخوانده استخراج شوند، باید ی سرد بین مساسی و توسه این با ماهیت یک بازیگر در این سینما حضور دارم وانتخاب می شوم که در فیلمی بازین ایناشیم اما تهیه کنندگان و فیلمسازانی که . ۱۳۰۰ - ۱۹۰۰ - ۳۰ تعیین کننده سیاستهای این گونه از سی زمان آن رسیده که کمی از پیله

دستمایهمهمهی برای ساخت وقتی در روزنامه می خواتیم واژه سازی بیرون آیند و عمل فیلم محسوب می شود. این گدوستایی در حلیه است که در کشور ما کمی در حالی است که در کشور ما که مردم آنجابیدارباش صبحگاهیشانصدایسرفه استوشامگاه آنهابرای رفتن ، خوابهم هنوز صدای سرفه است؛ سي جراا بنها سينما نمیشود.چراهمهمیدانیمکه اینچیزهاهستامادستاویز مايىبرايشاننيس که تبدیل به فیلم شود. این یک

است.به این دلیل که اگر بخواهم این موضوع را بررسی کنم شاید صراحتی در بیانم باشد که نسل جدید را با خودم در گیر کنم. آما آنچه اهمیت دارد این است که ابایدمسیر سینمای جنگ را آزاد بگذاریم که آرام و رام پیش رود. به دلیـل این که با جنگ بحرانهای انسانی بر مردمان این سرزمین گذشته است. کافی است یکبار برویم قطعه شهدای بهشت زهرا

رگیری های عاطفی با جنگ دارند و با جنگ فاصله گرفته اند. جنگ در دل همان شمار زیادی از مردم آرامآرام جلو می آید و به بچهها و نوههای آنها منتقل می شُودو نمی توانیم این را تفکیک کنیم که آیا نسل نمای جنگ دور اس جنگ به دلیل داستانهای ناًگفتهای که هنوز به آن ـت، همچنان تاصدسال دیگر هم ما اندکی اجتماعی تر و واقع گرایانه تر پیش روداین که ما بخواهیم ابزار طنز را دستاویزی قرار رد دهیم برای پیش بردن سینمای جنگ واقعا مطلوب نیست و مردم هم به آن آگاه هستند. بنابراین دیگر این بحثهای آسیبشناسانه کار کردی ندارند. ما بین به صدی سید. باید شاهد عملگرایی باشیم. ما فیلمسازان صادقی با سینمای جنگ داریم که قدرت ساخت فیلمهایی که رازهای مگو در جنگ داشــته دارند.الان که حال سینمای ایران خوب است، کار گردانها هم حالشان

آن وقت مے پینیم که شمار زیادی از مردم ایران هنوز

ر ''''' '' ''' اینواقعیت تلخفیلمنمی سازند بنابراین همان طور که بالاتر گفتم. فیلمساز دلسر دبرای من معنی نمی دهد، خوب بەنظر مىرسد، فيلمنامهُاي را به آنها بدهند، ستری را برای صریح گویی برای آنها فراهم کنند که اینها فیلم بسازند بهنظر من سینمای جنگ همواره مسئولیت خود رامقابل نسل جدیدانجام می دهد،ما چون او در یک لاک دفاعی رفته است. بهنظر من آنها . ارند که در سینی فیلمنامه جوید پول،امکانات و تکنولوژی در اختیار ش قرار دهند. پس مى بينيم كه در سال چند فيلم در اين راستامي سازند . دغدغەفىلمسازىشان كحاست. ی و جشنوارهای هم برپا می شود. از طرفی دیگر درباره وظایف نســل جدید باید بگویم کــه مثل همهجای •در ایسن سالها به تکرار شمنیدیم که واژه دنیا هر جریان فرهنگی می تواند یکسری موافق و یکسری مخالف داشته باشد. من در میان نسل خودم مینمای ضدجنگ به بسیاری از آثار این حوزه اطلاق شد، مفهوم سینمای ضدجنگ را چگونه

آدمهای همفکرم را میبینم که برای عنوان شهید، خانواده که برای عنوان شـ که برای عنوان شــهید، خانواده شهید و سینمای جنگ احترام چراماهیچوقتنمیبینیمکه یک گروهجوانرابادستمزد زیادی قابل هستند در عین حال یکسری هم بااعتقاد بر تفکر مناسببهجنوببفرستند کهداستانهایناخواندهرااز ترینید آزادی بیــان و آزادی اندیشــهُ دوست دارند بگویند که آن گونه آن افرادو آن منطقه هاروی کاغذبیاورندوبهفیلمسازان جنگ بفروشند *که تب*دیل به فيلمشود

از سینمامطلوبمانیست. ُ • بــه عنصُـر طنــز بعضــی فیلمهــای جنگی ســالهای اخب اشاره ک دید که م دم آن را درگ می کنند و مطلوبشان نیست اما آمارها نشان داد که

مردماز آن سينمااستقبال كردند... مردم احسوال زندگیهای اجتماعیش نيست و گاهي به اين سينما گرايش پيدامي كنند اما بايد در نُظر بگيريم مردم همان طور كه اجدايي نادر مین، مے بینند (اخراجے ہا) را ہم مے پیا ر ۱۰۰۰ س. تعادل فرهنگی در طول سال برای مردم وجود ندارد که بخواهندانتخاب کنند که چه گونه ای از فیلمها را

بنمای عراق کشــوری که با ما در جنگ بودنگاه می کنیکم، در آن میان فیلمهای . چندان موفقی به چشــم نمی آید. ایــن در حالی است که سینمای ایران با تمام فراز وفرودهایی که در این حوزه تجربه کرده، فیلمهای ماندگاری رااز جنگ به جاگذاشته است...

بله، پیکره فرهنگسی در ایران با همــه چالشها و بحرانهایشُ مُسیر درســتَی را می رود برای این که مردم خواســتهاند این پدیدههای مختلف فرهنگی

كنندو همين موضوع باعث شدكه استقبال نما کمرنگ شود، آیا شما نسل جوان از این کهبهعنوانبازیگر در چندفیلمسینمای جنگ حضور دائستیداین را می پذیرید که سینمای جنگ خودش اهمیتش را از نسل جوان گ فتهاست؟

واقعا دوست داشــتم برای پاســخ به این سوال وبلافاصلــه مثــل یک اُینه ســوالتان به ســ . شـــان برمی گرداندم که آقای تهیه کنندهای که تصمیم می گیری پول داشته باشی، فیلم می سازی و من را به عنوان بازیگر انتخاب می کنی، شما چه مسئوليتي رانسبت بهاين كهبين سينماى جنگو نسل جدیدفاصلهافتادهاستمی پذیرید؟سینمای جنگ را آیا به گونه ای روایت می کنید که بچههای دهه هفتادی که دچار سونامی سایبری هستند و تمام علاقه شان این است که از هر چیزی حتیفره صبحانهشان عکس بگیرندو در صفحههای که کشورهایی برنده شده اند که پل از تباط فرهنگی بین نسل جدید آنها با تبلیغات جنگی آن کشور تحمیل شکل گرفته است. روش آنها به گونهای بوده که این پل را به نوعی ساخته اند که ر طرفه باشد و برای ورود سینمای جنگ به خانه ها و

افرادخانوادهواقعیت پذیرصورت گیرد. •ضعف در کانون سینمای جنگ چگونه شكل گرفت؟

بنمای جنگ مااز دورهای می آید کــه فقط به ایـــن که رزمنـــدگان ما دو بـــال روی شانههایشان بوده است، می پرداختند و همواره بهشت از آن آنان بوده است و هرگز دچار آزمون و فطادر انتخاب این که آیا به عنوان یک فرد تنهای طراب در آن شـبها و روزهاًی سرد و س ٨ ســالُه قرارُ دارند، نمر شُــُدُند. آبا واقعا أنتخاب رستى كردُهاُندكُه الان اينجاهستند؟ آيادر آينده کُسی از شــجاعتهای آنان روایتی خواهد کرد؟ --ی ر جای این سوالات در س جای این سوالات در سینمای جُنگ ما خالی است و جوان امروز جوانی که تکنولــوژی در اختیارش ، به دنبال پاسخ آن است. جوانی اگر مثل من در کتابخانهاش «دایرهالمعارف مصور تاریخ جنگ یران و عراق، به جمع آوری «جعفر شییر علی نیا» نُنته باشد که پر از واقعیات جنگ اس ستباخواندن اين كتاب وكتاب هايي مثل اين فكر می کند که صراحت در بخشی از فیلمسازان جنگی ما نبوده اســت و واقعیاتی را می بایست به ما باز گو نكر دهاند. حالا كه أنها به ما راست نگفتهاند ما هم مرده می کنده این می کنده رست کا کالاین سینمار اانتخاب نمی کنده , یعنی یک اتفاق کاملافرهنگی دو طرفه است . در یک جامعه آزاد و بِاز! آدمها حق انتخَابُ دارند اما جُوان ایرانی، جوُانی به مسائل روز به مسائل روز ایران و جهان ۱ داه به مستس رور به سست رور بر ر . . . خوراک واقعیت می خواهد اگر و واقعیت را در هر حوزمای در آسیب شناسی اجتماعی، در سینمای ۔ کودک، در سینما*ی ع*روسکے وار د کنیم، فرهنگ

عنىمىدھد •از دیدگاه شماچه راهکاری برای پررنگ شدن

ار تباط جوان باسینمای جنگ وجوددارد؟ یکے از رامھا این است کہ اگے می خواہیم خوراک بصری فرهنگی به اسم سینما به جامعه بدهیم. باید کمی هم با ورود دوربینهای جدید که دوربینهای آسان تری بــرای جابهجایی و حمل شــدن برای ســاخت این گونــه از فیلمها هستند سعی کنیم که ریتم، شاکله و ساختار ما مخصوصًا در حوزه جنگ دهی . نتیجه اســـتفاده از این ُدوربین ها این میشود که د کوپاژ سریع تر و خوش ریتم تری در فیلمسازی خواهیم داشت. جوان امروز هم که اصولا عجله نارد.اگر فیلم به گونهای باشد که در مونتاژ آن در هُرام مکری یک فیلمَنامهآی از وقایع جنگی به واقعیٰترین شکل ممکناش بده با دانش و تکنولوژی امروز روایتش خواهد کُرد. در چنیس شرایطی بی تردید دهم هفتادی و هشتادیها این فیلم را می بینند و آرام آرام این شکاف رفع می شود. نمی خواهم بگویم آدمهایی مثل حاتمی کیا، درویش و حمیدنژاد سینمای جنگ را در انحصـــاًر خود گرفتهانــد چون اینها ظاهرامیخواهندبانسل جدید پل ارتباطی داشته باشند بهنظر من بخشى از مديران و بالادم ین حوزه محافظه کار هستند. به این دلیل است که فیلمسازان جوان علاقهای ندارندوار داین حوزه شــوند.وقتی تکنولوژی، فرصت واندکی پول در اختیار این فیلمســازها بگذارندمحصول چیزی خواهدشد که نسل جوان دوست دارد.

ساخت فيلمهاى بى كيفيت تلویزیون می توانند به حفظ این ارزش برای

نی ر فیلمهای دفاع مقدسی به جریانات پس از جنگ بپردازیم چه به اتفاقاتی که در طول

این هشتسال جنگ رخ داد، بپردازیم. واقع حيف است اگر نخواهيم تمام ابعاد جنگ را به تصویر کشیم، چون در هــر بخش از آن اتفاقــات ارزشــمندی افتــاده کــه بهراحتی نمی توان از کنار آن گذشت. بهنظرم در کشور

ما فرهنگسازی درستی درمورد دفاع مقدس اتفاق نیفتاده، چون فرهنگ جنگ خیلی عمیق و ارزشمند است، همین طور که میبینیم کشورهای دیگر دنیا بسیار بیشتر از ما روی فرهنگ جنگهایی که در کشورشان

حفظ شوندامامردم عراق همواره درگیر تجزیه طلب

میثیت و اعاده ناموس حرف بزنسی چون هنوز فکر

می کنم کـه آن چیزی که بهعنــوان حرمت خاک و ناموس پرداخته شــود، جا دارد کــه در همین ایران

ییوسی و سر جنوب و غرب ایران پرداخته شدود. هنوز وقتی به «پاوه» انودشه» و «نوسود» در ار تفاعات کردستان می مصمحته ٨٠مَيلَيُونُى و در جنوب وغربُ ايران پرداخته شـ

کردُسْتَان میرویمُ،میتُوانیدصُدایُضُدهواییُوپرواز هواپیماهای جنگی این سرزمین را بشنویم. چراکه

پژواک آن صدابرای مردم سرزمین های مرزی جنوب

و غرب مانده است. وُقتی در روزنامه می خوانیم که روستایی در حلبچه است که مردم آن جابیدار باش

ر صبحگاهی شان صدای سرفه است و شامگاه آنها برای رفتن به خواب هم هنوز صدای سرفه است؛ پس چرا

اینهاسینمانمیشود.چراهمهمیدانیمکهاینچیزها

تعبيرمىكنيد؟

سن دومین فیلمی که بازی کردم فیلم طبل بزرگزیر پای

چپدر کنــار حمید فرخَنژاد و حسین محجوب به کارگردانی

كاظم معصومي بود اين فيلم

ن كانديداي نقش مكمل مرد

نژاد جایزه بازیگری جشنواره

مُسكو را گرفت ولى بـا واژه سينمای ضدجنگ فيلم را رد

كردند واصلاكسي نمي داند

یی سی در در است. من می خواهم بگویم آن کسی که می گوید این فیلمها ضدجنگ است، آرالان در اید اید در شده

آيا الان بعداز ساخته شــدن اخراجىها با آن جنس

. برای در در این ۱۳۰۰ نوست دارندانتخاب کننددر جنگ باشند یا نباشند. آیا واقعا در دوران ۸ساله جنگ ما آدم هایی نبودند که

این گونه بحراُن های روانی به سراغشان آمده باشد؟ باور کنید که بودهاند همه آنهایی که این واژه را به فیلم

اطلاق کردند هم می دانند که بودهاند اماً هیچگسی، از

چنین فیلمهایی که واقعا باعث آشتی نسل جدید با سینمای جنگ می شود حمایت نمی کند، فیلمهایی

صرفا قهرمان پرور است، واقع گرایانه و واقع گو نیست،

• بر خی فیلمها به دلیل عدم صراحت نتوانستند ار تباط درستی با جوانها ایجاد

كەباعث, جعت آنھاكە فكر مى كنندس

ودمانـــد به همین دلیل دوس ر مرزهای این سرزمین درمورد مقاومت، جنگ، ا

ت ندارم کے فراتر از

سر روی بردا مام کنند. اتفاق افتاده کار می کنند. به این دلیل که عزیز ترین دارایی انسان جانش است و هر کسے که تصمیم می گیرد جانش را در راه وطنش فدا کند، حتصا در زمینه اخلاق



ت که به مرور زمان ایس گنجینه با ارزش

را از دست بدهیم. به نظرم تئاتر، سینما و

هشتســـال دفــاعمقــدس يـکــی زشــمندترين گنجينههاء ، ما است ه ح

صویریون هی توانند به خصصه این ارزش برای نسل آینده بسسیار کمک کنند و تأثیر زیادی داشسته باشسند. سساخت آشار باکیفیت هم می توانــد اهمیت بالای آن را نشــان دهد، اما اگر فیلمهــای باکیفیت و جذایی نســازیم، به همان اندازه که ساخت فیلیم در این زمینه می تواند مفید باشد، می تواند مضر هم باشد. این حوزه بسیار حساس است و باید روی آن سرمایه گذاری و کار زیادی شود تا بتوانیم

به دفاع مقدس آسیب می رساند ه در ســـتی از آن حفاظت و حــق مطلب را در این زمینه ادا کنیم. پرداختن به هر بُعُد ازُ جنگ می تواند ارز شمند باشد، چه در

به سطح بسیار بالایی رسیده است. فکر می کنم . با پرداختن بیشستر به مقولات جنگ و ابعاد گوناگون آن می توانیم فاصله ای که امروزه میان تود تون بن علی توسیم حسیدی حسوروره بیین نسل جدید و فضای جنگ افتاده را به مرور کمتر کنیم و هنر می تواند در این زمینه نقش بسزایی داشته باشد. چون متاسفانه در حال حاضر شاهد هستیم که به مرور زمان بین جوانان اُمروز و ارزشهای جنگ فاصلهای افتاده است ولی ما بأيدارزشهاى جنگراحفظ كنيم.